

مقالات و بررسیها، دفتر ۶۹، تابستان ۸۰، ص ۲۷۷-۲۸۲

## Abstracta Iranica

مجله چکیده‌های ایرانشناسی

داوید دوران گدی

**David Durand - Guédy**

پژوهشگر انجمن ایرانشناسی فرانسه

چکیده‌های ایرانشناسی، مجله‌ای است کتابشناختی و انتقادی درباره جهان ایرانی/آریایی.

رئیس مجله: آقای کریستف بالای، رئیس انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران؛

سردبیر: خانم دومینیک ترابی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی؛

ناشر آخرین شماره متن فرانسه (ش ۲۲)، سال ۱۹۹۹، انجمن فرانسوی تحقیقات در

ایران (Institut Francais de Recherches en Iran).

ناشر نخستین ترجمه فارسی کتاب (شماره‌های ۲۱-۲۰)، 1997-98 (۷۷-۱۳۷۶)،

مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایرانشناسی، تهران، ۱۳۸۰.

شارل هانری دو فوشه کور Ch. H.de Fouchécour، در پیشگفتاری که بر نخستین

شماره این مجله نگاشت (سال ۱۹۷۸) در توجیه تأسیس آن، به دو امر عمده اشاره کرد:

یکی کثرت انتشارات مربوط به جهان ایرانی / آریایی بود، و دیگری تخصص‌گرایی

فزاینده پژوهشگران که ترجیح می‌دادند آثار خود را در مجلات و مجموعه‌های رشته

خاص خود منتشر سازند.

فوشه کور، در ضمن به این نکته اشاره می‌کند که آنچه «خاور شناسی» می‌خواندیم،

اینک رو به نابودی نهاده است. «خاور شناس» معمولاً، آن دانشمند درخشان چند زبانه

همه کاره‌ای بود که در آن واحد در چندین رشته به کار می‌پرداخت، و از اینکه مثلاً هم در ادبیات تحقیق کند و هم در تاریخ، و یا، در محدوده جهان اسلامی، از یک حوزه جغرافیایی به حوزه‌های دیگر گام نهد، بیمی به دل راه نمی‌داد. «مجله آسیایی» (JA) نیز همراه دیگر مجلات مشابه، انتشار آثار ایشان را تضمین می‌کرد.

اما از میانه‌های سده ۲۰، این برداشت از کیفیت تحقیق، دگرگون شد و جای خود را به ضروریات دانشمندان و وسیع‌تر سپرد. در همین احوال، رشته‌های تازه‌ای نیز پدیدار شده بود که از آن جمله است: تاریخ علوم، جامعه‌شناسی تطبیقی جهان اسلام، نقد ادبی مدرن... این آثار در مجله‌های تخصصی گرد آوری و فهرست می‌شدند و گاه نیز گزارش کوتاهی درباره آثار عمده، در آن میان عرضه می‌شد.

اما فوشه کور معتقد بود که «حوزه جغرافیایی تحقیق، هنوز از مقبولیت و کار آیی برخوردار است». این موضع‌گیری اساسی، او را بر آن داشت که به جمع‌آوری سالانه انتشارات علمی درباره جهان ایرانی / آریایی همت گمارد. پیداست که این محدوده جغرافیایی از مرزهای امروزی ایران بسی فراتر می‌رود و بخشی از خاور میانه عربی، بخش‌های کرد نشین، سراسر افغانستان، و نیز بخش‌هایی از شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی را هم در بر می‌گیرد.

پیش از پیدایش «چکیده‌ها» نشریاتی از این قبیل - هر چند مقطعی - وجود داشت؛ مثلاً، ایرج افشار پیش از انقلاب اسلامی ایران، «فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی» را به عهده داشت و در آن، همه مقالاتی را که به پژوهش‌های ایرانی مربوط بود، فهرست می‌کرد. اقدام او، مورد تقدیر آقای فوشه کور نیز قرار گرفت، زیرا او، نخستین شماره «چکیده‌ها» را به ایرج افشار و مرحوم دانش‌پژوه، «این پایه‌گذاران بی‌مانند کتابشناسی در محدوده فرهنگی خویش» تقدیم کرد.

با اینهمه، هدف «چکیده‌ها» تفاوت داشت، زیرا اینجا، می‌بایست هر سال، مجموعه‌ای گزارش مختصر درباره مقالات یا کتاب‌هایی که توسط متخصصان در کار پیش‌برد دانش، مفید تشخیص داده می‌شد، عرضه گردد، و تنها به ذکر فهرست آثار مربوط به ایران بسنده نشود. به عبارت دیگر، اینجا، زبان، عامل تعیین‌کننده نبود و ناچار آثاری به زبانهای انگلیسی، فرانسه، ترکی، عربی، پشتو، ژاپنی و غیره، همینکه شایستگی علمی کسب می‌کردند، موضوع گزارش‌های مجله می‌گردیدند.

پیدا است که این کار کلان، از عهده یک تن بر نمی‌آید، بهمین جهت مسؤولیت بر دوش گروهی از نویسندگان قرار گرفت که همه، در زمینه مطالعات خود متخصص‌اند و یا در «مرکز ملی مطالعات علمی» به کار مشغول‌اند یا در دانشگاه‌ها. بر شمردن نام همه این نویسندگان (که به صد تن بالغ می‌شود) البته میسر نیست. لذا به ذکر چند نام - بر حسب حروف الفبای فرانسه - بسنده می‌کنیم: ژان اوبن<sup>۱</sup> (تاریخ قرون وسطی)، کریستف بالای<sup>۲</sup> (ادبیات معاصر فارسی)، رمی بوشارلا<sup>۳</sup> (باستان‌شناسی)، ژان پیر دیگار<sup>۴</sup> (بومی‌شناسی)، ژان دورینگ<sup>۵</sup> (موسیقی‌شناسی)، شارل هانری دو فوشه کور<sup>۶</sup> (ادبیات کهن فارسی)، فیلیپ ژینیو<sup>۷</sup> (ادیان باستانی)، برنار هورکاد<sup>۸</sup> (جغرافیا)، یان ریشارد<sup>۹</sup> (تفکر سیاسی معاصر)، ژیاو وسل<sup>۱۰</sup> (تاریخ علوم)...

این نویسندگان، از میان انتشارات سال، آنچه را شایسته می‌بایند، برمی‌گزینند و در گزارشهایی که بین ده سطر (برای مقالات) تا یک صفحه (برای کتاب) در نوسان است، به دفتر مجله عرضه می‌کنند.

مجله اساساً به ۱۷ بخش که هر یک به یکی از رشته‌های دانش اختصاص دارد، تقسیم شده است. این رشته‌ها با «کتاب‌شناسی» آغاز شده به «موسیقی و هنرهای نمایشی» ختم می‌گردد. بدین سان مجله، چیزی حدود ۳۰۰ صفحه را در بر می‌گیرد؛ و در پایان نیز فهرست کامل نامها قرار دارد. سیستم آوانگاری واژه‌های فارسی که از سیستم «اراییکا» پیروی می‌کند، هنوز استقرار نهایی نیافته است.

تا کنون ۲۲ شماره از این مجله انتشار یافته که آخرین آنها، آثار سال ۱۹۹۹ را در بر دارد. انتشار این اثر بزرگ، طی بیست و سه سالی که از عمرش می‌گذرد، فراز و نشیب‌های بسیار داشته و مدیران متعدد به خود دیده و تا همین اواخر به عنوان ذیلی بر «مطالعات ایرانی»<sup>۱۱</sup> تلقی می‌شد. از سال ۱۹۸۰ به بعد، به سبب بروز انقلاب اسلامی، دچار پریشانی گردید و مدتی متوقف ماند. سپس، برای آن‌که این تأخیر جبران گردد، طی

1. J. Aubin.

2. C. Balay.

3. R. Boucharlat

4. J.P. Digard.

5. J. During.

6. J. H. de Fouchécour.

7. F.Gignoux.

8. B. Hourcade.

9. y. Richard.

10. z. Vesel.

11. Studia iranica.

سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۸ چهار جلد ضخیم که انتشارات سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ را در برمیگرفت انتشار یافت. آخرین شماره (ش ۲۲) نزدیک به هزار گزارش درباره انتشارات سال ۱۹۹۹ در بردارد.

خوب است به مجلدات مستقلی هم که در کنار اصل مجله منتشر شده اشاره کنیم: برای سالهای ۸۲-۱۹۷۸، یک جلد اندکس جامع انتشار یافت تا مجموعه آثار این دوره را یکجا در اختیار خوانندگان قرار دهد. اما متأسفانه جلد دوم این اندکس هرگز فراهم نیامد؛ علاوه بر این مجلداتی هم چاپ شد که مجموعه گزارش‌های یک رشته را در خود گرد می‌آورد. این مجلدات عبارت‌اند از: تاریخ آسیای میانه در عصر پیش از اسلام، مانی‌شناسی و کردشناسی.

در اهمیت این کتاب همین بس که بگوییم تنها مجله‌ای است که به بررسی نقادانه آثار علمی درباره جهان ایرانی / آریایی می‌پردازد. بخصوص که اینک دائره هیئت نویسندگان گسترش بسیار یافته و گروهی از پژوهشگران معروف را از کشورهای آمریکا، انگلیس، ژاپن و نیز ایران به خود منظم کرده است.

این اقدام جدید مجله را اعتبار بیشتری بخشید و نتیجه‌ای مبارک به بار آورد، زیرا در سال ۱۳۷۸ ش، به دریافت جایزه بهترین کتاب خارجی سال از دست ریاست جمهور ایران مفتخر شد.

\*\*\*

با اینهمه مجله «چکیده‌ها» دچار چندین ناهنجاری، برخی سطحی و برخی اساسی، نیز هست. از جمله این که گزارش‌ها متأسفانه بسیار کوتاه‌اند؛ البته می‌دانیم که هدف مجله چیز دیگری است، و نیز نشریات تخصصی دیگری هم هستند که گزارش‌های مفصل انتقادی چاپ می‌کنند (مانند: Studia Islamica, BSOAS, ZDMG...)

نقطه ضعف دیگری که در این مجله مشاهده می‌شود، آن است که برخی رشته‌های تحقیق، جایشان عملاً خالی است. مثلاً در شماره ۲۲، تنها دو گزارش درباره علوم سیاسی ایرانی چاپ شده؛ حال آن که فضای سیاسی امروز، بحث‌های مفصل‌تری را می‌طلبد. در زمینه تاریخ علوم و فن‌آوری نیز وضع از همین قرار است، و اگر بخواهیم دانش‌های ایرانی را معرفی کنیم، لازم است به معرفی آثار بیشتری بپردازیم.

در باب «حوزه جغرافیایی ایرانی / آریایی» هم باید گفت که از زمان فروپاشی اتحاد

جماهیر شوروی و ایجاد یک «انجمن فرانسوی تحقیقات» در تاشکند (ازبکستان)، نسل جدیدی از پژوهشگران اروپایی، در باره تاریخ و مجامع آسیای میانه به کار پرداخته‌اند و «چکیده‌ها» در محدوده‌هایی که بسی فراتر از «جهان ایرانی» قرار دارد، از همکاری اینان بهره می‌برد و بدین سان، مجله، مورد استفاده کسانی که درباره سرزمین‌های ترکی آسیای مرکزی کار می‌کنند، و روابط مستقیمی هم با ایران ندارند، نیز قرار می‌گیرد. به طور کلی، باید به مفهوم «ایران‌شناسی» عنایت خاص داشت. فوشه کور هنگامی که «چکیده‌ها» را پی می‌ریخت، به وضوح بر صلاحیت این موضوع انگشت نهاد. اما بحث اینجاست که به آسانی نمی‌توان اینهمه حوزه‌های گوناگون علمی، از باستان‌شناسی گرفته تا علوم سیاسی روز را یکجا گرد آورد.

در فرانسه، علاوه بر این، مرکزی به نام «جهان ایرانی» پی‌ریزی شد که باز می‌خواهد همه این دانش‌های از هم متفاوت را در خود جمع کند، و این کاری بس دشوار است. و از سوی دیگر هیچ پژوهشگری نمی‌تواند در محدوده‌ای که «ایران‌شناسی» خوانده شده محصور بماند، زیرا مثلاً، چگونه می‌توان درباره تاریخ پیش از مغول ایران کار کرد و همه زمینه‌های تحقیق درباره خاور میانه به زبان عربی را نادیده گرفت؟ «چکیده‌ها» که به نشریات عربی چندان توجه ندارد، هرگز نمی‌تواند خواننده خود را از مجلات کتاب‌شناسی دیگر بی‌نیاز سازد.

در پایان، لازم است، علی‌رغم نکاتی که ذکر کردیم و امیدواریم مورد بحث قرار گیرند، بیست و یکمین سال تأسیس «چکیده‌ها» را تبریک بگوییم و انتشار ترجمه فارسی آن را نیز ارج نهمیم. این کار بی‌گمان به پیوندهای استوارتری میان پژوهشگران ایرانی و فرانسوی خواهد انجامید.

داوید دوران‌گدی

\*\*\*

ترجمه فارسی این مجله با نام «چکیده‌های ایران‌شناسی» به همت «مرکز دانشگاهی» و «انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران» در سال ۱۳۸۰ انتشار یافت. این شماره، شامل جلد‌های ۲۰ و ۲۱ است که آثار سالهای ۷۷-۱۳۷۶ را در بر گرفته. ۵۰۵ صفحه متن کتاب، به فهرستی در ۲۵ صفحه ختم می‌گردد.

ترجمه این کتاب به زبان فارسی، از جهتی بسیار سودمند و از جهتی دیگر کاری بی

حاصل است. ازائه اطلاعات درباره کتابهای خارجی و گاه به کلی ناشناخته در ایران، گاهی به راستی خجسته و اقدامی مشکور است. اما درباره کتابها و مقالات ایرانی، گزارشهای موجود، همیشه موفق نیست. در برخی گزارشها آشکارا می بینیم که نویسنده، چنانکه باید و شاید بر محتوای کتاب مسلط نگردیده و هدفی که محقق ایرانی سالها در راهش کوشیده، از نظر گزارشگر پنهان مانده.

از این نا زیباتر، گزارشهای یکی دو سطری است که از باب رفع تکلیف، درباره کتابهای مشهور و مورد استفاده در ایران داده اند.

حال اگر این اشارات کوتاه بی محتوا را با گزارشهای چندین صفحه ای گاه بسیار تزیینانه و نقادانه، در باره آسیای میانه بسنجیم، به نا همسانی و عدم توازن و تعادل در «چکیده ها» پی می بریم.

در کار ترجمه، کوششی در خور تقدیر کرده اند، با اینهمه در بسیار جایها، متن ترجمه گویا نیست، و مقایسه با متن فرانسه نشان می دهد که مترجم، مراد نویسنده را به نیکی بازگو نکرده و سپس جملات نارسای او، از چشم ویراستار نیز پنهان مانده.

علی رغم این نکته ها، ما انتشار این کتاب را، به دو زبان فارسی و فرانسه مبارک می دانیم و اقدام ناشران را به راستی ارج می نهیم، و اطمینان داریم که ترجمه شماره ۲۲ که انشاء الله به زودی منتشر خواهد شده، از شماره نخست هم مفیدتر و براننده تر خواهد بود.

«مقالات و بررسیها»